

زندگ تعرفه‌ها

نظم اقتصادی جهان را دگرگون کند؟

معدنی کمیاب هنوز به سطح سابق بازنگشته است.

دونالد ترامپ نیز به این موضوع واکنش نشان داد. او در پستی در پلتفرم «تروث سوشال» نوشت که چین «توافق خود با ما را کاملاً نقض کرده است» و افزود: «دیگر از آقای مهربان خبری نیست.»

لین جیان، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، این اتهام را رد کرد و گفت که چین «با جدیت، اجماع به‌دست‌آمده در ژنوا را اجرا کرده است.» مقامات چینی می‌گویند این ایالات متحده است که با مجموعه‌ای از اقدامات از جمله با صدور اطلاعیه‌ای مبنی بر اینکه استفاده از ترانه‌های ساخت هوای در هر کجای جهان، نقض قوانین ایالات متحده محسوب می‌شود، توافق را نقض کرده است. «لیسن گفت: «ایالات متحده، بدون هیچ پایه و اساسی، علیه چین افترا و اتهام‌زنی کرده، کنترل‌های صادراتی بر ترانه‌ها اعمال نموده، فروش نرم‌افزار طراحی ترانه به چین را به حالت تعلیق درآورده و لغو وزیرای دانشجویان چینی را اعلام کرده است؛ این اقدامات افراطی به شدت هم‌سویی شکل گرفته در ژنوا را تضعیف کرده و به حقوق و منافع مشروع چین آسیب می‌رساند.»

در حالی که بر خی از تولیدکنندگان خودرو و الکترونیک آمریکا اخیراً مجوزهایی برای دریافت محموله‌های مواد معدنی از چین دریافت کرده‌اند، عدم قطعیت و انباشت در خواست‌ها برای این محصولات، همچنان شرکت‌ها را نگران کرده است. به نظر می‌رسد چین در این زمینه به شرکت‌های اروپایی نسبت به شرکت‌های آمریکایی اولویت داده است.

این تنش‌ها به دیگر جنبه‌های روابط دیپلماتیک ایالات متحده با چین نیز سرریز کرده است. دولت ترامپ پیشنهادهایی برای «لغو ته‌اجمی» وزیراهای دانشجویان چینی، از جمله کسانی که با حزب کمونیست ارتباط دارند، ارائه کرده است.

تاکنون مشخص نیست که چگونه می‌توان این تنش‌ها را کاهش داد. کارولین لیویت، دبیر مطبوعاتی کاخ سفید، هفته گذشته در این باره گفت که به احتمال زیاد ترامپ و ششی این هفته در یک تماس تلفنی صحبت خواهند کرد. سخنگوی وزارت خارجه چین در این باره گفت که «هیچ اطلاعاتی برای ارائه ندارد.»

دانیل اچ. روزن، یکی از بنیان‌گذاران گروه «رودیم» معتقد است که پکن سال‌ها پیش تشخیص داده بود که عناصر خاکی کمیاب برای فناوری‌های پیشرفته حیاتی خواهند بود و برای توسعه این منابع یارانه پرداخت کرد. او می‌گوید که ایالات متحده «به شدت» تقاضا برای این عناصر را دست‌کم گرفته است.

چین ۷۰ درصد از عناصر خاکی کمیاب جهان را استخراج می‌کند، اما ۹۰ درصد از فرآوری شیمیایی آن‌ها را انجام می‌دهد. طبق داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی، این کشور همچنین بیش از ۸۰ درصد باتری‌های جهان، بیش از ۷۰ درصد خودروهای برقی و حدود نیمی از فولاد، آهن و آلومینیوم جهان را تولید می‌کند.

روزن گفت که تأمین منابع جایگزین احتمالاً نیازمند سرمایه‌گذاری صدها میلیارد دلاری از سوی ایالات متحده و همکاری با شرکای جهانی است که مایل به ایجاد زنجیره‌های تأمین در خارج از چین باشند. او گفت: «این کار پرهزینه خواهد بود. راه درازی در پیش داریم.»

در حالی که واردات برخی مواد معدنی از سر گرفته شده‌اند،

در حالی که برخی از

تولیدکنندگان خودرو و الکترونیک آمریکا اخیراً مجوزهایی برای دریافت محموله‌های

مواد معدنی از چین دریافت کرده‌اند،

عدم قطعیت و انباشت درخواست‌ها برای این

محصولات، همچنان

شرکت‌ها را نگران کرده است. به نظر

می‌رسد چین در این

زمینه به شرکت‌های

اروپایی نسبت به

شرکت‌های آمریکایی

اولویت داده است

بسیاری از صنایع ایالات متحده همچنان نگران کمبود عرضه هستند. پل تریولو، از شرکای گروه «آلبرایت استون بریج»، گفت که سیستم مجوزدهی چین پیچیده است و از ابتدای ماه آوریل، زمانی که آقای ترامپ تعرفه‌های سنگینی بر چین اعمال کرد، کاهش قابل توجهی در محموله‌های مواد معدنی حیاتی مشاهده شده است. تریولو گفت که ایالات متحده گزینه‌ای جز مذاکره با پکن در این موضوع و همچنین تنظیم یک استراتژی بلندمدت با دیگر کشورها برای کاهش وابستگی به چین طی پنج تا هفت سال آینده ندارد. او گفت: «این یک مشکل عمیق و پایدار است و به راحتی حل نخواهد شد.»

▼ جایگاه نظم آمریکایی در جنگ تجاری

در دوران پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده فرآیندی را برای ایجاد مجموعه‌ای از قوانین اقتصادی راهبری کرد که مروج یک نظم تجاری باز و چندجانبه بود. این کشور توافق‌های تجاری و سرمایه‌گذاری دوجانبه و چندجانبه را منعقد کرد و نهادهایی مانند «موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت» (GATT) و بعدها «سازمان تجارت جهانی» (WTO) را برای کمک به مدیریت تجارت بنیاد نهاد. این نهادهای و قوانین، ثبات اقتصادی و سیاسی را فراهم آورده، جریان‌های تجاری و سرمایه‌گذاری را تشویق کردند و به شرکای تجاری، سازوکارهایی قانونی، صلح‌آمیز و قابل اعتماد برای حل‌وفصل اختلافات‌شان ارائه دادند. سیستم حاصل که بر گشایش و یکپارچگی تأکید داشت، برای آن دوره ژئوپلیتیکی که مشخصه آن هژمونی آمریکا بود، کاملاً مناسب به نظر می‌رسید. واشنگتن، نظم اقتصادی مبتنی بر قوانین را برای رونق و پیشبرد منافع استراتژیک خود حیاتی می‌دید و هر دلیلی برای حفظ آن داشت.

اما ایالات متحده دیگر تنها ابر قدرت جهان نیست. طی سال‌های گذشته، چین به یک ابر قدرت در زمینه تجارت بدل شده است. چشم‌انداز اقتصادی جهانی اکنون با ظهور مراکز قدرت جایگزین و اولویت‌بندی نگرانی‌های امنیتی بر مزیت‌های اقتصادی توسط بسیاری از کشورها، مشخص می‌شود.

نشریه فارن افرز در مقاله‌ای پیرامون این موضوع نوشته است: سیستم کنونی تجارت در جهان بر اصول عدم تبعیض و دولت کاملة‌الوداد (Most-Favored-Nation) اولویت می‌دهد که طبق آن، شرکای تجاری باید با یکدیگر رفتار یکسانی داشته باشند. اما نگرانی‌های اقتصادی و امنیت ملی بسته به هر شریک تجاری متفاوت است؛ تجارت با متحدان نزدیک می‌تواند امنیت یک کشور را تقویت کند، در حالی که تجارت با دشمنان می‌تواند آن را آسیب‌پذیرتر سازد. بنابراین، الزام کشورها به رفتار یکسان با همه شرکای تجاری بر اساس اصل دولت کاملة‌الوداد دیگر منطقی به نظر نمی‌رسد. این سیستم به اعضا اجازه می‌دهد به دلایل امنیت ملی از این رویکرد جهانی گسرا عدول کنند. در گذشته، این موضوع اهمیت چندانی نداشت زیرا کشورها با فرض گشایش و اعمال حداقل محدودیت‌ها عمل می‌کردند. اما در دهه گذشته، رقابت فزاینده ژئوپلیتیکی، کشورهای بیشتری را وادار به اعمال کنترل‌های صادراتی، تحریم‌ها و دیگر محدودیت‌های اقتصادی بر شرکای تجاری خود کرده است. این انحرافات مکرر از قوانین، حتی اگر موجه باشند، بی‌نظمی و عدم قطعیت را به همراه داشته‌اند. با چنین پیش‌زمینه‌ای، دولت ترامپ، ایالات متحده را به یک قدرت تجدیدنظر طلب تبدیل کرده است که به دنبال بر هم زدن بقایای نظم اقتصادی پیشین است. تاکنون، رویکرد او به‌طور غیر ضروری بر پایه ایجاد آشوب و بی‌نظمی استوار بوده است. اما هنوز فرصتی برای دستیابی به یک نتیجه مثبت از دل این آشوب وجود دارد. تمایل رئیس جمهور به اقدام جسورانه، مذاکرات تجاری جاه‌طلبانه‌ای را با سایر کشورها آغاز کرده که معمولاً با سرعتی بسیار کند پیش می‌روند اما دلایلی وجود دارد که باور کنیم این مذاکرات می‌توانند نتایج مطلوبی برای ایالات متحده و متحدانش به همراه داشته باشند.

در ماه مارس، «مرکز امنیت نوین آمریکایی» (CNAS)

یک شبیه‌سازی جنگ تجاری را برای بررسی واکنش احتمالی دولت‌های خارجی به افزایش شدید تعرفه‌های ایالات متحده اجرا کرد. شرکت‌کنندگان شامل مذاکره‌کنندگان تجاری باتجربه از ایالات متحده و چندین پایتخت خارجی و همچنین کارشناسان منطقه‌ای و تحلیلگران امنیتی بودند. در این شبیه‌سازی، تیم نماینده ایالات متحده تعرفه‌های گسترده‌ای را بر تمام شرکای تجاری اصلی خود اعمال کرد، اما در عین حال، باب مذاکره برای دستیابی به ترتیبات جایگزین را باز گذاشت. تیم‌هایی که نقش دولت‌های خارجی را ایفا می‌کردند، باید بیس مذاکره با ایالات متحده یا تلافی علیه آن یکی را انتخاب می‌کردند. این شبیه‌سازی برای ایجاد شرایط مذاکره پیچیده و خصمانه طراحی شده بود و حتی شامل تحریکات ایالات متحده در مسائل غیر تجاری، مانند وضعیت گرینلند و حاکمیت کانادا نیز می‌شد. اما در پایان بازی، تیم ایالات متحده به‌طور غیرمنتظره‌ای موفق شد پایه‌های یک بلوک تجاری دموکراتیک و بسیار یکپارچه را که چین را کنار می‌گذاشت، بنا نهد.

این فرآیند به‌هیچ‌وجه یکپارچه نبود. تیم‌های نماینده شرکای تجاری سنتی ایالات متحده مانند کانادا، مکزیک و اروپا از رویکرد قلدربابانه واشنگتن ناراضی بودند. اما حتی با وجود اینکه آن‌ها تشخیص دادند که ایالات متحده ممکن است شریک قابل اعتمادی نباشد، به این نتیجه رسیدند که باید با مقامات آمریکایی برای کاهش آسیب تعرفه‌ها همکاری کنند. این وضعیت، نسخه‌ای از «معمای زندانی» را در جنگ تجاری به وجود آورد: تیم‌های کشورها به ارزش هماهنگی برای تشکیل ائتلافی جهت مقابله با ایالات متحده پی بردند، اما هر کدام همچنان دسترسی خود به بازار آمریکا را در اولویت قرار دادند. در نتیجه، اکثر تیم‌های کشورها تلاش کردند تا به سرعت در صف اول مذاکره با واشنگتن قرار گیرند.

در این بازی، تلاش تیم چین برای جلب نظر دیگران عمدتاً بی‌نتیجه ماند. تا زمانی که تیم ایالات متحده آمادگی خود را برای معامله نشان می‌داد، بازیگرانی که نمایندگی اقتصادهای پیشرفته بزرگ را بر عهده داشتند، تعمیق یکپارچگی اقتصادی با چین را گزینه‌ای منطقی نمی‌دیدند. در واقع، بسیاری از آن‌ها موافقت کردند که در اقدامات ضدچینی با تیم ایالات متحده همسو شوند. در دنیای واقعی، پکن سخت در تلاش است تا از افول جایگاه جهانی واشنگتن بهره‌برداری کند و با این پیام که «چین، و نه ایالات متحده، شریک قابل اعتمادی است که به سیستم تجاری مبتنی بر قوانین تعهد دارد»، دولت‌های خارجی را به سوی خود جذب کند. اما تاکنون این پیام با استقبال چندانی روبه‌رو نشده است. به جای پیگیری نزدیک‌تر به چین و برقراری روابط اقتصادی عمیق‌تر با چین، بسیاری از کشورها در تلاشند تا اطمینان حاصل کنند که جنگ تجاری نوپا، موجی از صادرات ارزان قیمت چینی را روانه بازارهایشان نکند.

بیش‌شمار حاصل از این شبیه‌سازی جنگ تجاری نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران آمریکایی چگونه می‌توانند از دل آشوب تعرفه‌ای ترامپ، یک نتیجه مثبت بیرون بکشند. اما موفقیت در دنیای واقعی به‌هیچ‌وجه تضمین شده نیست. عوامل متعددی می‌توانند سیستم تجارت جهانی را به مسیر متفاوتی سوق دهند. برای مثال، دولت‌های خارجی ممکن است با فشار سیاسی داخلی شدیدی برای مقابله با ایالات متحده مواجه شوند، حتی بدون خشم عمومی، تحریکات ایالات متحده در مسائل غیرتجاری می‌تواند مذاکرات را به بن‌بست بکشاند.

این وضعیت نشان می‌دهد برای دستیابی به یک نتیجه مثبت و مدنظر آمریکا، دولت ترامپ مجبور است مذاکرات تجاری مبتنی بر حسن‌نیت را در اولویت قرار دهد و جنبه‌های جناحی‌تر سیاست تجاری خود را امهار کند؛ مانند اعمال تعرفه‌های بیش از حد افراطی که وقتی ناپایداری آن‌ها آشکار می‌شود، دولت مجبور به لغو آن‌ها می‌گردد.

در چنین سناریویی، آمریکا متحدان زیادی در جنگ تجاری در کنار خود خواهد داشت اما مشخص نیست که بتواند با تکیه بر این متحدان چین را مهار کند یا نه.

سیاستمداران



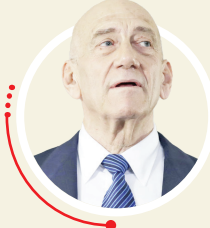
اولویت دولت لبنان

در سایه تنش‌های فزاینده در مرزهای لبنان با اراضی اشغالی، نخست‌وزیر لبنان تأکید کرد عقب‌نشینی کامل اشغالگران صهیونیست از خاک لبنان اولویت اصلی دولت اوست و این پرونده در صدر تلاش‌های دیپلماتیک ملی باقی خواهد ماند. نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان در جریان کنفرانسی مطبوعاتی خاطرنشان کرد حملات رژیم صهیونیستی زیرساخت‌ها را ویران کرده و بر زندگی لبنانی‌ها تأثیر گذاشته است. بر اساس گزارش وبگاه صدی البلد، نواف سلام در ادامه افزود دولت لبنان به‌هیچ‌وجه هیچ‌گونه بازپچه‌قرار دادن کمک‌ها برای بازسازی یا هرگونه سیاسی کردن برای آن را نمی‌پذیرد. وی بر تلاش‌های دولت لبنان برای بسیج حمایت بین‌المللی و حفظ حاکمیت و استقلال در تصمیم‌گیری‌های ملی تأکید کرد. نخست‌وزیر لبنان همچنین اظهار کرد تنها دولت است که اختیار سلاح و تصمیم‌گیری در مورد جنگ و صلح را دارد. وی ادامه داد دولت به اتخاذ تدابیر لازم برای آزادسازی تمامی اراضی لبنانی از کنترل اشغالگران صهیونیست و گسترش حاکمیت دولت بر تمام سرزمین‌های خود پایبند است.



موضع مسکو درباره قره‌باغ

سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه تأکید کرد این کشور منطقه قره‌باغ را به عنوان بخشی از خاک جمهوری آذربایجان به رسمیت می‌شناسد. «ماریا زاخارووا»، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در توضیح پیرامون اظهارات اخیر «ولادیمیر مادینسکی» دستیار ریاست جمهوری روسیه در توصیف قره‌باغ که با اعتراض خاک جمهوری آذربایجان به رسمیت می‌شناسد، زاخارووا به خبرنگاری «تاس» گفت: «با وجود آنکه مادینسکی در توضیحاتش به جنبه تاریخی، خصایص اجتماعی و فرهنگی و رنج مردم قره‌باغ اشاره کرده است اما روسیه این منطقه را به عنوان خاک جمهوری آذربایجان به رسمیت می‌شناسد.» بیشتر وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان از اظهارات اخیر مادینسکی، مذاکره‌کننده ارشد روسیه در دودر مذاکرات اخیر برگزار شده با اوکرین به خاطر توصیف از قره‌باغ به عنوان «سرزمین مورد مناقشه میان ارمنستان و آذربایجان» انتقاد و او را متهم به تحریف حقیقت تاریخی کرد.



توصیه اولمرت به ترامپ

نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی ضمن تأکید بر اینکه راه حل دودولتی تنها ضامن صلح دائمی است، گفت که رئیس‌جمهور آمریکا باید به نتایج و بگوید کافی است. «ایهود المرت» که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود، در مصاحبه‌ای با خبرنگاری فرانسه با انتقاد از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به دلیل شکست تمام‌عیارش در حمایت از ساکنان اراضی اشغالی در عملیات هفتم اکتبر ۲۰۲۳ حماس گفت: نفوذ آمریکا بر کابینه اسرائیل بالاتر از نفوذ سایر قدرت‌ها است و فکر می‌کنم دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا) می‌تواند تغییری در جنگ غزه ایجاد کند. المرت در ادامه انتقادهای خود از نتانیاهو گفت: اگر چه جامعه جهانی ابتدا از «حق اسرائیل برای دفاع از خود» دفاع می‌کرد اما از مارس ۲۰۲۵ که نتانیاهو جنگ را برای اهداف شخصی خود تشدید کرد، اوضاع تغییر پیدا کرد.

